

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۱/۱۸

سنجش میزان توسعه‌یافتگی شاخص‌های کمی و کیفی مسکن در شهرستان‌های استان کرمانشاه

ابوالفضل مشکینی^۱، زینب شاهرخی فر^{۲*}، فرامرز منتظر^۳

چکیده

مسکن یکی از نیازهای پایه‌ای و اساسی همه افراد و خانوارهاست که وضعیت مطلوب آن نقش مستقیمی در کیفیت زندگی دارد. از راه‌های مهم آگاهی از وضعیت مسکن در هر برنامه‌ریزی، استفاده از شاخص‌های مسکن می‌باشد. استان کرمانشاه به‌عنوان یکی از استان‌های غربی کشور، به دلایل گوناگون مشکل مسکن را به‌صورت حادی درآورده است. این مشکلات خود را به‌صورت بدمسکنی، کیفیت پایین مسکن، نامناسب بودن بافت و مصالح ساختمانی در سکونتگاه‌ها نمایان کرده است؛ بنابراین تحقیق حاضر با استفاده از شاخص‌های کمی و کیفی مسکن به بررسی وضعیت مسکن شهرستان‌های این استان و سطح‌بندی این شهرستان‌ها پرداخته است. روش تحقیق بر اساس هدف کاربردی و بر اساس ماهیت مبتنی بر روش توصیفی، تحلیلی و همبستگی می‌باشد. جامعه آماری تحقیق شامل ۱۴ شهرستان استان کرمانشاه در سرشماری ۱۳۹۰ می‌باشد. برای جمع‌آوری اطلاعات، از نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ استان کرمانشاه استفاده شده است. آنگاه ۲۱ شاخص کمی و کیفی در بخش مسکن انتخاب شده و به‌وسیله روش آنتروپی شانون وزن‌دهی شده‌اند، سپس از مدل VIKOR برای سطح‌بندی شهرستان‌ها استفاده شد. بر اساس این سطح‌بندی، شهرستان‌های کرمانشاه و پاوه در بالاترین سطح برخورداری و شهرستان‌های سرپل‌ذهاب، قصر شیرین، سنقر، دالاهو و ثلاث باباجانی در پایین‌ترین سطح برخورداری قرار دارند. نتیجه همبستگی پیرسون حاکی از همبستگی نسبتاً بالا در بررسی رابطه بین میزان برخورداری شهرستان‌ها با جمعیت و همبستگی نسبتاً ضعیف در رابطه بین میزان برخورداری شهرستان‌ها و نزدیکی به مرکز استان می‌باشد. در پایان پیشنهاد می‌شود که شهرستان‌های کمتر برخوردار و محروم در اولویت برنامه‌های توسعه مسکن قرار گیرند.

واژگان کلیدی: شاخص‌های کمی و کیفی مسکن، مسکن، مدل ویکور، استان کرمانشاه.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ استادیار دانشگاه تربیت مدرس تهران

^{۲*} نویسنده مسئول، دانش‌آموخته مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس تهران، Email: Zeinab.shahroky@gmail.com

^۳ دانش‌آموخته مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه محقق اردبیلی

مقدمه

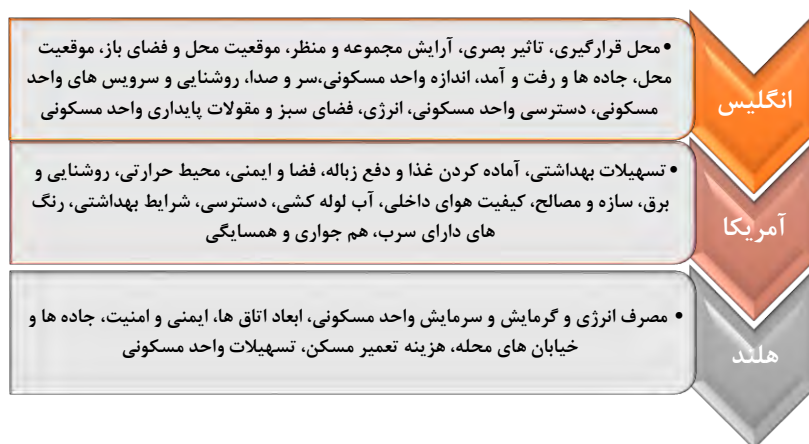
پس از انقلاب صنعتی، فرایند شهرنشینی در جهان به طور فزاینده‌ای رشد کرد. چنین رشد شتاب‌زده‌ای باعث پیدایش مسائل و مشکلات فراوانی در شهرها گردیده است؛ که یکی از مهم‌ترین آن‌ها مربوط به مسئله مسکن است (Short & et al, 2008)؛ که هم‌زمان با شکل‌گیری جوامع بشری و به تبع آن تلاش جدی بشر برای ایجاد آسایش در زندگی شخصی خود، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین خواست‌های بشری مطرح گردید. حق برخورداری از مسکن مناسب به‌عنوان بخشی از حق زندگی در بسیاری از اسناد بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته و بر آن تأکید شده است (شاهرخی فر، ۱۳۹۵: ۲). از جمله سازمان ملل، در بیانیه جهانی حقوق بشر عنوان می‌کند که هرکسی برای دستیابی به یک سطح استاندارد مناسب زندگی برای سلامتی و بهزیستی خود و خانواده‌اش حقی دارد. این سطح استاندارد مناسب برای زندگی از نظر سازمان ملل شامل غذا، لباس، مسکن و مراقبت‌های بهداشتی و خدمات اجتماعی لازم است (Choguill, 2007: 143)؛ در بیانیه جهانی حقوق بشر این سازمان، سطح استاندارد مناسب برای زندگی شامل غذا، لباس، مسکن و مراقبت‌های بهداشتی و خدمات اجتماعی لازم است (Choguill, 2007: 143). همچنین در استراتژی جهانی مسکن، مسکن مناسب چنین تعریف شده است؛ مکانی برای حفظ حریم خصوصی، دارای فضای کافی، امنیت کافی، روشنایی و تهویه کامل زیرساخت‌های اساسی کافی و قابلیت دسترسی به امکانات عمومی و دارای هزینه‌ای معقول و مقرون‌به‌صرفه (Un-Habitat, 2002: 3). به تأکید سازمان بهداشت جهانی (WHO) مسکن مهم‌ترین عامل زیست‌محیطی مرتبط با شرایط بیماری و امید به زندگی و یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه‌یافتگی از نظر فیزیکی یا کالبدی به شمار می‌آید (زیاری و همکاران، ۱۳۸۹: ۳). با این حال مسئله مربوط به مسکن، به‌هیچ‌وجه واضح نیست؛ زیرا برخی موضوعات مسکن دارای وابستگی‌های چندگانه هستند. موضوع تحقیقی در صورتی مربوط به مسکن تلقی می‌شود که توصیف آن مستلزم ارجاع به مسکن باشد؛ بنابراین با توجه به این تعریف، انتخاب مسکن، خانه‌سازی، بی‌خانمانی، تاریخ و سازمان‌دهی مسکن اجتماعی، حقوق مسکن، جدایی مسکونی، ساخت‌وساز خصوصی، خصوصی‌سازی سهام عمومی اجاره، سیاست مسکن، همسایگی، جامعه محلی و غیره همه مسائل مرتبط با مسکن هستند (Ruonavaara, 2018: 179)؛ بنابراین مفهوم مسکن علاوه بر مکان فیزیکی، کل محیط مسکونی را نیز در برمی‌گیرد و بر قلمرو فیزیکی و اجتماعی نیز دلالت دارد (Hafazah, 2012: 47)؛ که در بسیاری از موارد، مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر میزان رضایت‌مندی فرد از سکونت در محله، نیز می‌باشد (Westaway, 2006: 187)؛ میزان دستیابی به وضعیت مطلوب مسکن چه در نواحی شهری و چه در نواحی روستایی به‌عنوان یکی از شاخص‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی در کشورهای جهان محسوب می‌شود (Arnott, 2008: 11). در کشورهای در حال توسعه به دلیل رشد سریع جمعیت، فقدان منابع مالی، مشکلات مربوط به زمین، کمبود نیروی انسانی ماهر و مهم‌تر از همه نبود سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مناسب در رابطه با زمین و مسکن، مسئله مسکن را به‌صورت حاد و بحرانی درآورده است (Arnott, 2008: 11). امروزه باید قبول کنیم حدود ۱ میلیارد نفر در محله‌های فقیرنشین و سایر مسکن‌های غیراستاندارد و با امنیت نامناسب و عدم کفایت آب و فاضلاب زندگی می‌کنند. تا سال ۲۰۳۰، حدود ۳ میلیارد نفر یا حدود ۴۰ درصد جمعیت جهان، به مسکن، زیرساخت‌های اساسی و خدمات نیاز دارند. این امر نیاز به احداث ۹۶،۱۵۰ واحد مسکونی با زمین‌های مستقل تأمین‌شده در روز از حالا تا سال ۲۰۳۰ دارد (UN habitat, 2011: 8). در مقابل بخش مسکن خوب، می‌تواند تهیه و دسترسی مناسب به مسکن را در میان تمامی گروه‌های جمعیتی تحقق بخشد (Warnock & Warnock, 2008: 239)؛ مسکن مناسب باید در یک مکان اجازه دسترسی به اشتغال، مراقبت‌های بهداشتی، آموزش، فضای کافی را فراهم سازد (UN habitat, 2015: 34). لذا موضوع مسکن در برنامه‌ریزی شهری، علاوه بر بعد اقتصادی، از نظر اجتماعی، فرهنگی، محیطی و کالبدی نیز، اهمیت دارد؛ واحد مسکونی با تأثیرپذیری از ارزش‌های محیطی، از ویژگی‌هایی برخوردار می‌شود و این ارزش‌ها، بعد فضایی-کالبدی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مسکن محسوب

می‌شوند (Aluko, 2011: 70). از این‌رو؛ برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران در کشورهای مختلف سعی در حل مسائل مربوط به آن دارند (Buckley & Kalarickal, 2005: 237). تحلیل مسائل مسکن از طریق ابزاری صورت می‌گیرد که به صورت متغیرهایی به نام شاخص‌های مسکن مطرح بوده و بیانگر ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی مسکن هستند. به کمک این شاخص‌ها می‌توان پارامترهای مؤثر در امر مسکن را شناخت و هرگونه برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری صحیح در خصوص مسکن را تسهیل نمود (عابدینی و کریمی، ۱۳۹۳: ۵۶). شاخص‌های مسکن ابزار مناسبی جهت سنجش معیارها و ضوابط سیاست‌های مسکن است. به کمک این شاخص‌ها می‌توان تصویر درست و قابل‌فهمی را از شرایط مسکن به دست داد و پیشرفت‌ها و کم‌وکاستی‌ها را در تحقق اهداف بخش مسکن مشخص نمود (صارمی و ابراهیم‌پور، ۱۳۹۱: ۱۱). بررسی شاخص‌های کمی و کیفی مسکن یکی از شیوه‌های شناخت ویژگی‌های مسکن به شمار می‌رود که می‌توان به کمک آن پارامترهای مؤثر در امر مسکن را شناخت و هرگونه برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری صحیح مسکن را تسهیل نمود. از طرفی شاخص مسکن ابزار مناسبی برای سنجش وضع موجود و میزان تحقق برنامه‌ها در طول اجرای آن‌ها از یک سو و شفاف‌سازی در امر نظارت بر چگونگی اجرای سازمان‌های ذی‌ربط و عملکرد آنان از سوی دیگر خواهد بود (عابدینی و کریمی، ۱۳۹۴: ۳). در این میان استان کرمانشاه به‌عنوان یکی از استان‌های غربی کشور، به دلایل تغییر ابعاد خانوار و بالا رفتن توقعات به شکل زیستن در خانه‌های مستقل، گرانی زمین شهری از یک سو و محدودیت و کمبود خدمات مسکن از طرف دیگر، مشکل مسکن را به صورت مشکلی حاد درآورده است. این مشکلات خود را به صورت بد مسکنی، کیفیت پایین مسکن، نامناسب بودن بافت و مصالح ساختمانی در سکونتگاه‌ها نمایان کرده است. که بسیار نگران‌کننده به نظر می‌رسد. همچنین با نگاهی اجمالی‌تر به بخش مسکن در این استان شاهد وجود شکاف قابل‌توجهی میان شهرستان‌های این استان می‌باشیم؛ بنابراین سطح‌بندی شهرستان‌های استان کرمانشاه بر اساس شاخص‌های کمی و کیفی مسکن، وضعیت موجود، نقاط ضعف و قوت آن و شهرستان‌های برخوردار و محروم را مشخص کرده و می‌تواند تا حد زیادی سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان را در تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های مناسب در زمینه توسعه و محرومیت‌زدایی و برقراری عدالت اجتماعی یاری رساند.

مبانی نظری

با آغاز قرن بیست و یکم کشورهای جهان سوم با چالش‌های مهمی چون فراهم آوردن سرپناه مناسب، اشتغال و محیط‌زیست پایدار مواجه هستند. در این‌بین سرپناه مناسب به دلیل وجود نیازهای اولیه خانوار یا فرد در آن همچون خواب، استراحت، حفاظت در برابر شرایط جوی و خلاصه شرایط زیست در مقابل طبیعت، اهمیت بسزایی دارد (کشور دوست، ۱۳۹۲: ۲). مسکن که در لغت به معنی محل سکونی گزیدن است دارای ابعاد متنوع و پیچیده‌ای می‌باشد که شکل‌گیری آن، بازتاب و برآیند شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، محیطی و ایدئولوژی می‌باشد و معنی آن با توجه به گوناگونی شرایط فوق تغییر می‌کند (جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳). مفهوم مسکن علاوه بر ساخت فیزیکی که یک خانواده به‌عنوان سرپناه مورد استفاده قرار می‌دهد، کل محیط مسکونی را نیز در برمی‌گیرد که شامل کلیه خدمات و تأسیسات اجتماعی و تسهیلات عمومی ضروری مورد نیاز برای بهزیستی خانواده و طرح‌های اشتغال، آموزش و تندرستی افراد است (ملکی و شیخی، ۱۳۸۸: ۴). درک وجوه مسکن و جایگاه آن در نظام روابط اجتماعی مردم و جامعه نیز با در نظر گرفتن تمامی وجوه نمادین، نهادین، مادی و زیبا شناسانه فرهنگ مسکن امکان‌پذیر است (بهرامی، ۱۳۹۰: ۲)؛ بنابراین توجه به مفهوم اجتماعی^۱ فرهنگی، تاریخی و سیاسی مسکن و گریز از نگرش تک‌بعدی، منظر دیگری را در بررسی مفهوم مسکن مطرح می‌سازد که همانا ماهیت فضایی مسکن است. مفهوم فضایی مسکن، مفهومی فراتر از مکان است و آن را می‌توان چنین بیان نمود: مسکن فضایی است که با در نظر گرفتن همه روابط اجتماعی

مردم در زمینه همبستگی‌ها، علاقه‌ها، سلیقه‌ها و منافع و تضادها، آن‌ها را در مقابل یکدیگر قرار می‌دهد. بدین ترتیب مسکن به‌عنوان فضایی مطرح می‌گردد که بالاجبار به‌صورت منجمد قابل‌لمس نیست و حد آن در رابطه و به نسبت رشد و سلطه فکری و اجتماعی انسان، متغیر می‌باشد. در این زمینه می‌توان گفت که معنی و بعد مسکن از یک‌سو به خصوصیات فردی مربوط می‌گردد و از سوی دیگر تابع مجموعه روابطی (قراردادی و ضمنی) است که بر طبق آن مردم در یک محله یا یک شهر باهم تماس‌هایی را معمول می‌دارند (زنگی‌آبادی و عزیزاده، ۱۳۹۲: ۸). مسکن چیزی بیش از یک سرپناه صرفاً فیزیکی است و کلیه خدمات و تسهیلات عمومی لازم برای به زیستن انسان را شامل می‌شود و باید حق تصرف نسبتاً طولانی و مطمئن برای استفاده‌کننده آن فراهم شود (Knapp, 1982: 35). باوجود توجه اساسی به بخش مسکن و برطرف شدن این نیاز از جنبه کمی آن، مارتین هایدگر، فیلسوف آلمانی با نگرشی کیفی به مسئله مسکن، معتقد است که بحران واقعی مسکن در کمبود آن نیست، بلکه بحران واقعی در جستجوی آدمی برای سکونت است و انسان پیش از هر چیز باید سکونت‌گزینی را بیاموزد. وی، زیستن، سکونت، ساختن، رشد و پروراندن را مترادف باهم می‌داند (ابراهیم‌زاده و قاسمی، ۱۳۹۰: ۹۰). گرچه عنوان سرپناه، نیاز اولیه خانواده یا فرد مانند خوراک، استراحت و حفاظت در برابر شرایط جوی تأمین می‌شود، لیکن برنامه‌ریزی مسکن جزئی از نظام برنامه‌ریزی شهری محسوب می‌شود که در آن واحدهای مسکونی جزئی از فضاهای تغییر شکل یافته و تطابق یافته شهری محسوب می‌شود که برحسب موضوع در چارچوب برنامه‌ریزی مسکن مورد توجه قرار می‌گیرد. بر همین اساس برنامه‌ریزی مسکن با تخصیص فضاهای قابل سکونت به نیازهای مسکونی و توجه به محدودیت منابع و استفاده از تئوری‌ها و تکنیک‌های ویژه با چارچوب‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی سروکار دارد (پورمحمدی، ۱۳۸۵: ۲۵-۳). یک جنبه از برنامه‌های تأثیرگذار در برنامه‌ریزی مسکن، مشخصات فیزیکی مسکن است که تا حدود زیادی اهداف کیفی را در برنامه‌ریزی مسکن پوشش می‌دهد. به علت گستردگی و پیچیدگی در مطالعات مسکن باید از شاخص‌های مسکن استفاده کرد. این شاخص‌ها در ابتدا توسط بیدرمن (۱۹۶۶) و شلدون مور (۱۹۶۸) به‌کاربرده شد. آن‌ها از شاخص مسکن به‌عنوان یک وسیله‌ای برای اندازه‌گیری پیشرفت اهداف اجتماعی استفاده کردند (Flood, 2012: 502-503). پس از آن UN-HABITATE به‌عنوان یک‌نهاد پیشگام در جمع‌آوری شاخص‌های شهری در سال ۱۹۹۱ میلادی، موضوع شاخص‌های مسکن را بنیان نهاده و تمرکز خود را بر روی نظارت بر عملکرد سکونت‌گاه‌ها گذاشته است. شاخص‌هایی که در این دهه همواره بر آن تأکید می‌شد و توسط دولت‌ها کنترل می‌گردید، عبارت بودند از: سیستم دفع فاضلاب نامناسب، فقدان آب آشامیدنی سالم و کافی، ازدحام تراکم و ساختار مسکن بی‌دوام (پشاه آبادی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۹). این شاخص‌ها به‌عنوان بخشی از مطالعات مسکن و برنامه‌ریزی مسکن به‌مرور زمان دچار تغییر و تحولات شده‌اند (UN-HABITATE, 2009: 3). ضرورت و اهمیت شاخص به این دلیل است که سیاست‌های مسکن که در جوامع مختلف صورت می‌گیرد بر اساس این شاخص‌ها است. از طرف دیگر مسکن یک سرپناه و نیاز اساسی هست که باید در دسترس تمام خانواده‌ها قرار بگیرد. دسترسی به خدمات آموزشی کودکان، دسترسی به شغل بزرگسالان، مقرون‌به‌صرفه از لحاظ اقتصادی، بهداشت خوب برای ساکنین، ارائه خدمات مناسب به شهروندان و... از جمله شرایط و معیارهای مسکن مناسب در سراسر جهان هستند. از سوی دیگر در مباحث اقتصادی، مسکن و شاخص‌های مسکن، در بازار مسکن، دسترسی به منابع مالی، روش عملی و خردمندانه برای یارانه‌های دولتی در برای برنامه‌ریزی شهری هدفمند می‌باشند (Reckford, 2005: 3). در این بخش موارد دخیل در کیفیت مسکن در کشورهای انگلیس، آمریکا و هلند اشاره می‌گردد:



شکل (۱): عوامل مؤثر بر کیفیت مسکن در انگلیس، آمریکا و هلند

مأخذ: گروسی، ۱۳۹۵: ۲۴.

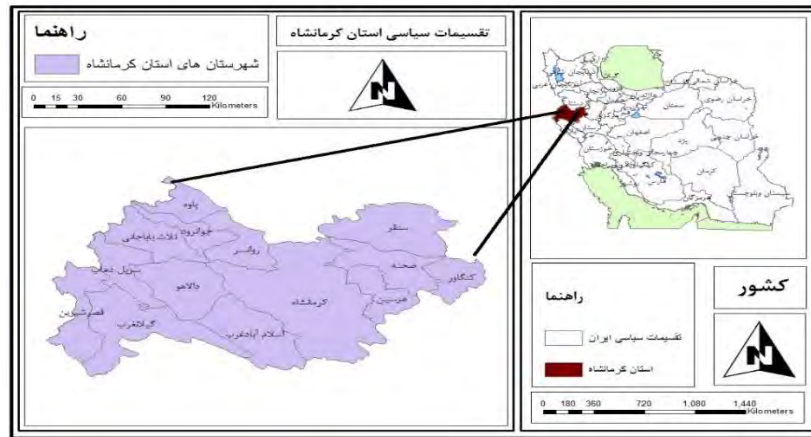
با توجه به شکل شماره ۱ برای شناخت وضعیت مسکن در شهرها از شاخص های مختلفی استفاده می شود که در تحقیق حاضر به طور کلی از دودسته کمی و کیفی استفاده می شود:

شاخص های کمی مسکن: تراکم خانوار در واحد مسکونی، تراکم نفر در واحد مسکونی، تراکم نفر در اتاق، تراکم اتاق در واحد مسکونی، متوسط تعداد اتاق برای هر خانوار، متوسط سطح زیربنا (مرصوصی و همکاران، ۱۳۹۱: ۷-۶)، تراکم خانوار در اتاق، کمبود واحدهای مسکونی، تعداد واحد مسکونی برای هر هزار نفر، سطوح و سرانه مسکونی (محمدی و رضویان، ۱۳۹۰: ۶). جزو شاخص های کمی مسکن می باشند.

شاخص های کیفی مسکن: مسکن نقش بااهمیتی در ثبات خانواده، رشد اجتماعی و اقتصادی و بالا بردن ضریب ایمنی افراد و خصوصاً ارتقای فرهنگی و آرامش روحی اعضای خانواده دارد و به نوبه خود در کل سیستم شهری نیز تأثیر می گذارد. کیفیت مسکن از طریق تعداد تسهیلات و امکانات موجود در واحدهای مسکونی، نحوه تصرف، میزان دوام و همچنین عمر آن می توان اندازه گیری کرد (زیاری و زرافشان، ۱۳۸۵: ۷).

معرفی محدوده مورد مطالعه

استان کرمانشاه، در ۳۳ درجه و ۴۰ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۱۸ دقیقه طول شرقی و ۴۵ درجه و ۲۴ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۷ دقیقه عرض شمالی واقع شده است و از شمال به استان کردستان، از جنوب به استان های لرستان و ایلام و از شرق به استان همدان و از غرب با ۳۳۰ کیلومتر مرز مشترک با کشور عراق همسایه است. این استان با وسعت ۲۵۰۳۸ کیلومتر مربع در سال ۱۳۹۰، ۱۹۴۵۲۲۷ نفر جمعیت داشته و ارتفاع متوسط آن از سطح دریاهای آزاد حدود ۱۲۰۰ متر است. استان کرمانشاه به لحاظ تقسیمات سیاسی شامل ۱۴ شهرستان، ۲۹ بخش، ۲۸ شهر و ۸۵ دهستان بوده و میزان شهرنشینی و روستائینشی در این استان به ترتیب ۶۹/۷ درصد و ۳۰/۱ درصد است و حدود ۰/۲ درصد جمعیت استان جزو جمعیت غیر ساکن است (سالنامه آماری استان کرمانشاه، ۱۳۹۰).



شکل (۲): محدوده مورد مطالعه و موقعیت آن در کشور

جدول (۲): جمعیت شهری و روستایی استان کرمانشاه در سال ۱۳۹۰

شهرستان	جمعیت	شهری	روستایی	شهرستان	جمعیت	شهری	روستایی
اسلام‌آباد غرب	۱۵۱۴۷۳	۹۶۰۶۲	۵۵۰۶۴	سنقر	۹۱۹۳۵	۴۶۱۸۱	۴۵۷۵۴
پاوه	۵۶۸۳۷	۳۰۲۴۲	۲۶۵۹۵	صحنه	۷۶۶۷۸	۳۷۱۴۰	۳۹۵۲۰
ثلاث باباجانی	۳۸۴۷۵	۱۳۳۳۶	۲۵۰۴۸	قصر شیرین	۲۵۵۱۷	۱۷۹۶۸	۷۲۲۱
جوآز رود	۷۱۲۳۵	۵۱۴۸۳	۱۹۷۵۲	کرمانشاه	۱۰۳۰۹۷۸	۸۵۷۰۴۸	۱۷۳۴۴۱
دالاهو	۳۹۸۳۷	۱۲۹۳۰	۲۶۵۷۳	کنگاور	۸۱۰۵۱	۵۳۴۴۹	۲۷۳۹۶
روانسر	۴۶۳۹۵	۲۴۵۹۲	۲۱۸۰۳	گیلان غرب	۶۲۸۵۸	۲۳۷۸۰	۳۷۸۱۴
سرپل ذهاب	۸۵۶۱۶	۳۵۸۰۹	۴۹۳۸۴	هرسین	۸۶۳۴۲	۵۵۰۷۴	۳۱۲۵۶

منبع: سالنامه آماری سال ۱۳۹۰ استان کرمانشاه

روش تحقیق

روش این تحقیق بر اساس هدف کاربردی و بر اساس ماهیت مبتنی بر روش توصیفی، تحلیلی و همبستگی می‌باشد. روش جمع‌آوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای بوده است که در آن اطلاعات مورد نیاز از نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ مربوط به استان کرمانشاه و مراجعه به سازمان‌های مربوطه گردآوری شده است. جامعه آماری تحقیق شامل ۱۴ شهرستان استان کرمانشاه در سال ۱۳۹۰ می‌باشد که درصدد است میزان توسعه‌یافتگی ۱۴ شهرستان استان کرمانشاه را بر اساس شاخص‌های کمی و کیفی مسکن تعیین نماید. برای تعیین این شاخص‌ها از شاخص‌های کمی و کیفی مسکن استفاده شده است، سپس وزن هر یک از شاخص‌ها با استفاده از روش آنتروپی شانون تعیین شده و تجزیه و تحلیل داده‌ها و رتبه‌بندی شهرستان‌ها با مدل VIKOR انجام گرفته است. همچنین از نرم‌افزار SPSS برای بررسی همبستگی‌ها میان عامل‌ها، از نرم‌افزار EXCEL برای انجام محاسبات و از نرم‌افزار GIS برای تهیه نقشه استفاده شده است.

معرفی شاخص‌های استفاده شده

شناخت بهتر و دقیق‌تر از مکان‌های جغرافیایی در زمینه‌های مختلف در سطوح متفاوت منوط به در دسترس داشتن اطلاعات کامل و پردازش شده از مکان‌های مورد نظر است. برای نیل به این مهم از شاخص‌ها و متغیرها استفاده می‌شود (امان‌پور و مودت،

۱۳۹۲: ۸). شاخص‌های مسکن شاید مهم‌ترین و کلیدی‌ترین ابزار در برنامه‌ریزی مسکن باشد (حکمت‌نیا و موسوی، ۱۳۹۲: ۱۱۲). به کمک این شاخص‌ها می‌توان پارامترهای مؤثر در امر مسکن را شناخت و هرگونه برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری صحیح در خصوص مسکن را تسهیل نمود (عابدینی و کریمی، ۱۳۹۴: ۸). مسکن به‌عنوان یکی از پدیده‌های انسان‌ساخت دارای خصوصیات و ویژگی‌هایی است که در کارکردها و جلب رضایت‌مندی استفاده‌کنندگان آن تأثیر دارد. خصوصیات ماندگاری، مطلوب مسکن، استحکام مسکن، امنیت، ایمنی، راحتی و میزان دسترسی ساکنان به تسهیلات، تأمین تجهیزات و تأسیسات، زیرساخت‌های موردنیاز مسکن و مانند این‌ها در کیفیت مسکن تأثیرگذار می‌باشند. البته قابل‌ذکر است که این موارد با یکدیگر ارتباط متقابل داشته و جملگی در ارتقای کیفیت مسکن مؤثرند. نکته مهم در مفهوم کیفیت مسکن این است که مسکن علاوه بر اینکه به‌عنوان سرپناه مورد استفاده قرار می‌گیرد و مکانی است که خدمات و تأسیسات اجتماعی و تسهیلات ضروری متعددی برای بهتر زندگی کردن خانواده و افراد فراهم می‌آورد، دارای ساختار فیزیکی نیز هست. در واقع مؤلفه‌های دسته نخست تا حد زیادی به این ساختار و کیفیت آن وابسته است. به عبارت دیگر بخشی از خدمات و تسهیلات عمومی لازم مسکن برای بهتر زندگی کردن انسان، با مشخصات فیزیکی مسکن ارتباط دارد (Domanshi, 2008: 235). به‌منظور شناخت میزان توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان کرمانشاه در بهره‌مندی از شاخص‌های کمی و کیفی مسکن، از نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ مربوط به استان کرمانشاه و مراجعه به سازمان‌های مربوطه استفاده شده است. به‌منظور خلاصه کردن مقاله، اعداد در محاسبات تا هشت رقم اعشار ولی در نمایش یک الی چهار رقم اعشار نمایش داده شده است. شاخص‌های بکار گرفته شده در این تحقیق در جدول شماره ۱ آورده شده است.

جدول (۱): شاخص‌های مورد استفاده در تحقیق

شاخص	شاخص
درصد واحدهای مسکونی دارای حداقل برق	رشد خانوار
درصد واحدهای مسکونی دارای حداقل تلفن	بعد خانوار
درصد واحدهای مسکونی دارای حداقل آب‌لوله‌کشی	ضریب مهاجرت
درصد واحدهای مسکونی دارای حداقل گاز لوله‌کشی	نرخ رشد مسکن
حداقل دما در دستگاه حرارت مرکزی	ضریب کمبود مسکن
حداقل حرارت و برودت مرکزی	متوسط خانوار به واحد مسکونی
درصد واحدهای مسکونی دارای حداقل آشپزخانه	متوسط نفر در واحد مسکونی
درصد واحدهای مسکونی دارای حداقل حمام	متوسط تعداد اتاق در تصرف خانوار
درصد واحدهای مسکونی بادوام	متوسط نفر در اتاق
درصد واحدهای مسکونی بی‌دوام	متوسط اتاق در واحد مسکونی
تعداد کل شاخص‌ها = ۲۱	میانگین عمر بنا

منبع: سالنامه آماری سال ۱۳۹۰ و مطالعات نگارندگان برگرفته از مبانی نظری.

یافته‌های تحقیق و مدل ویکور

ویکور یکی از مدل‌های تصمیم‌گیری چند معیاره است که برای تعیین اولویت در رتبه‌بندی بکار می‌رود (Huang & et al, 2009: 1). این مدل برای بهینه‌سازی چند معیاره سیستم‌های پیچیده توسعه یافته است (Opricovic & Tzeng, 2004). از مزیت‌های

این مدل قدرت بسیار بالای آن در کاهش پیچیدگی تصمیم‌گیری، استفاده هم‌زمان از معیارهای کمی و کیفی می‌باشد. هدف اصلی روش ویکور نزدیکی بیشتر به جواب ایده‌آل هر شاخص است (سرور و خلیجی، ۱۳۹۴: ۷). در شرایطی که فرد تصمیم‌گیرنده قادر به شناسایی و بیان برتری‌های یک مسئله در زمان شروع و طراحی آن نیست، می‌تواند به‌عنوان ابزاری مؤثر برای تصمیم‌گیری مطرح شود (توکلی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۴: ۶). اپریکوویک و تزنگ در سال ۱۹۸۸ این روش را ارائه و سال‌های ۲۰۰۲، ۲۰۰۳، ۲۰۰۴ و ۲۰۰۷ آن را توسعه دادند (موسوی و همکاران، ۱۳۹۴: ۷). مراحل مدل ویکور به‌صورت زیر می‌باشد:

گام اول: تشکیل ماتریس تصمیم؛ با توجه به تعداد معیارها و تعداد شهرستان‌ها و ارزیابی همه شهرستان‌ها در ارتباط با شاخص‌های کمی و کیفی مسکن، ماتریس تصمیم به‌صورت زیر تشکیل می‌شود.

$$X_{ij} = \begin{bmatrix} x_{11} & \cdots & x_{1n} \\ \vdots & \ddots & \vdots \\ x_{m1} & \cdots & x_{mn} \end{bmatrix} \quad \text{رابطه (۱)}$$

که در رابطه بالا، x_{ij} معرف صورت‌وضعیت شهرستان‌ها درزمینه مسکن i ($i=1,2,\dots,m$) در رابطه با معیار j ($j=1,2,\dots,n$) می‌باشد.

گام دوم: بی‌مقیاس کردن ماتریس تصمیم؛ در این مرحله با استانداردسازی داده‌ها، سعی می‌شود معیارها با ابعاد مختلف به معیارهایی بی‌بعد تبدیل شوند.

$$f_{ij} = \begin{bmatrix} f_{11} & \cdots & f_{1n} \\ \vdots & \ddots & \vdots \\ f_{m1} & \cdots & f_{mn} \end{bmatrix} \quad \text{رابطه (۲)}$$

که ماتریس فوق با توجه به رابطه زیر استاندارد شده است:

$$f_{ij} = \frac{x_{ij}}{\sqrt{\sum_{k=1}^m x_{kj}^2}} \quad \text{رابطه (۳)}$$

گام سوم: تعیین وزن معیارها؛ وزن‌دهی به شاخص‌ها از طریق روش آنتروپی صورت می‌گیرد (حکمت‌نیا و موسوی، ۱۳۹۲: ۳۵۹). این روش بر اساس پراکندگی مقادیر شاخص‌ها، اوزان مربوط به هر شاخص را حساب می‌کند. آنتروپی قابلیت آن را دارد تا در صورتی که تصمیم‌گیرندگان ارزیابی اولیه‌ای از اهمیت شاخص‌ها داشتند، آن را دریافت کرده، اوزان به‌دست‌آمده بر اساس مدل را تعدیل کند (پورطاهری، ۱۳۹۳: ۸۸). در این گام، وزن‌های (w_j) اختصاص‌یافته به هر صفت تعیین می‌شود؛ مجموع وزن‌ها باید به‌گونه‌ای باشد که رابطه زیر به دست آید.

$$1 \leq w_j = 1 \text{ و } \sum_j w_j \quad \text{رابطه (۴)}$$

جدول (۳): وزن شاخص‌های مورد استفاده در تحقیق

شاخص	وزن	شاخص	وزن
رشد خانوار	۰/۰۴۷۹	درصد واحدهای مسکونی دارای حداقل برق	۰/۰۴۸۵
بعد خانوار	۰/۰۴۸۴	درصد واحدهای مسکونی دارای حداقل تلفن	۰/۰۴۸۴

۰/۰۴۸۵	درصد واحدهای مسکونی دارای حداقل آبلوله‌کشی	۰/۰۴۷۹	ضریب مهاجرت
۰/۰۴۶۷	درصد واحدهای مسکونی دارای حداقل گاز لوله‌کشی	۰/۰۴۸۲	نرخ رشد مسکن
۰/۰۴۳۸	حداقل دستگاه حرارت مرکزی	۰/۰۴۷۳	ضریب کمبود مسکن
۰/۰۴۲۶	حداقل حرارت و برودت مرکزی	۰/۰۴۸۵	متوسط خانوار به واحد مسکونی
۰/۰۴۸۴	درصد واحدهای مسکونی دارای حداقل آشپزخانه	۰/۰۴۸۴	متوسط نفر در واحد مسکونی
۰/۰۴۸۵	درصد واحدهای مسکونی دارای حداقل حمام	۰/۰۴۸۴	متوسط تعداد اتاق در تصرف خانوار
۰/۰۴۸۴	درصد واحدهای مسکونی بادوام	۰/۰۴۸۳	متوسط نفر در اتاق
۰/۰۴۶۳	درصد واحدهای مسکونی بی‌دوام	۰/۰۴۸۳	متوسط اتاق در واحد مسکونی
مجموع وزن = ۱	تعداد کل شاخص‌ها = ۲۱	۰/۰۴۸۳	میانگین عمر بنا

منبع: محاسبات نگارندگان

گام چهارم: در این مرحله با توجه به ضرایب اهمیت معیارهای مختلف در تصمیم‌گیری، بردار وزن معیارها تعریف می‌شود. با ضرب عناصر ماتریس تصمیم بی‌مقیاس شده در وزن مربوط، ماتریس (جدول) نهایی تصمیم تشکیل می‌شود (پویا و عزیززاده زوارم، ۱۳۹۳: ۱۱).

گام پنجم: تعیین بهترین و بدترین مقدار؛ بهترین و بدترین هر یک از مقادیر در هر معیار را شناسایی می‌کنیم و به ترتیب f_i^* و f_i^- می‌نامیم. جایی که f_i^* بهترین راه‌حل ایده آل مثبت برای معیار i ام و f_i^- بدترین راه‌حل ایده آل منفی برای معیار i ام (پوراحمد و خلیجی، ۱۳۹۳: ۶).

رابطه (۵): $f_i^* = \text{Max } f_{ij}$

رابطه (۶): $f_i^- = \text{Min } f_{ij}$

جدول (۴): تعیین بهترین و بدترین مقدار

شاخص	رشد خانوار	بعد خانوار	ضریب مهاجرت	نرخ رشد مسکن	ضریب کمبود مسکن
F Max	۰/۰۰۵	۰/۰۱۱	۰/۰۰۳	۰/۰۱۹	۰/۰۰۲
F Min	۰/۰۲۲	۰/۰۱۴	۰/۰۲۲	۰/۰۰۸	۰/۰۱۹
F* - F-	-۰/۰۱۶	-۰/۰۰۳	۰/۰۲۶	۰/۰۱۰	-۰/۰۱۷
شاخص	متوسط خانوار به واحد مسکونی	متوسط نفر در واحد مسکونی	متوسط تعداد اتاق در تصرف خانوار	متوسط نفر در اتاق	متوسط اتاق در واحد مسکونی
F Max	۰/۰۱۲	۰/۰۱۱	۰/۰۱۹	۰/۰۰۸	۰/۰۲۰
F Min	۰/۰۱۳	۰/۰۱۴	۰/۰۱۰	۰/۰۱۷	۰/۰۱۰
F* - F-	-۰/۰۰۱	-۰/۰۰۳	۰/۰۰۸	-۰/۰۰۹	۰/۰۱۰
شاخص	میانگین عمر بنا	درصد واحدهای مسکونی دارای حداقل برق	درصد واحدهای مسکونی دارای حداقل تلفن	درصد واحدهای مسکونی دارای حداقل آبلوله‌کشی	درصد واحدهای مسکونی دارای حداقل گاز لوله‌کشی
F Max	۰/۰۰۸	۰/۰۱۲	۰/۰۱۴	۰/۰۱۳	۰/۰۱۹
F Min	۰/۰۱۶	۰/۰۱۲	۰/۰۰۹	۰/۰۱۱	۰/۰۰۰

F* - F-	-۰/۰۰۷	۰/۰۰۰	۰/۰۰۵	۰/۰۰۱	۰/۰۱۹
شاخص	حداقل دستگاه	حداقل حرارت و	درصد واحدهای	درصد واحدهای	درصد واحدهای مسکونی
	حرارت مرکزی	برودت مرکزی	مسکونی دارای	مسکونی دارای	بادوام
			حداقل آشپزخانه	حداقل حمام	
F Max	۰/۰۳۵	۰/۰۳۳	۰/۰۱۳	۰/۰۱۳	۰/۰۱۴
F Min	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۱۰	۰/۰۱۱	۰/۰۰۸
F* - F-	۰/۰۳۴	۰/۰۳۳	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۰/۰۰۵
شاخص	درصد واحدهای				
	مسکونی بی‌دوام				
F Max	۰/۰۰۲				
F Min	۰/۰۳۱				
F* - F-	-۰/۰۲۸				

منبع: محاسبات نگارندگان

گام ششم: تعیین مقادیر شاخص‌های سودمندی (S) و تأسف (R) با توجه به روابط زیر به دست می‌آید (پویا و عزیززاده زوارم، ۱۳۹۳: ۱۱):

$$1- S_i = \sum_{j=1}^n W_j \frac{f_{ij}^+ - f_{ij}^-}{f_{ij}^+ - f_{ij}^-} \quad \text{رابطه (۷)}$$

$$2- R_i = \max \left(W_j \frac{f_{ij}^+ - f_{ij}^-}{f_{ij}^+ - f_{ij}^-} \right) \quad \text{رابطه (۸)}$$

گام هفتم: محاسبه مقدار ویکور Q؛ این مقدار برای هر یک از i ها به صورت زیر تعریف می‌شود (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۵):

$$Q_i = V \left(\frac{S_i - S^+}{S^- - S^+} \right) + (1 - V) \left(\frac{R_i - R^+}{R^- - R^+} \right) \quad \text{رابطه (۹)}$$

$$S^- = \max S_i, \quad S^+ = \min S_i \quad \text{رابطه (۱۰)}$$

$$R^- = \max R_i, \quad R^+ = \min R \quad \text{رابطه (۱۱)}$$

جدول (۵): مقادیر شاخص‌های سودمندی (S)، تأسف (R) و مقدار Q

نام شهرستان	R	S	Q	رتبه	وضعیت
کرمانشاه	۰/۰۳۵	۰/۳۳۵	۰/۰۷۹	۱	کاملاً برخوردار
پاوه	۰/۰۴۰	۰/۲۷۶	۰/۱۷۴	۲	
روانسر	۰/۰۴۱	۰/۴۰۴	۰/۴۱۲	۳	متوسط برخوردار
کنگاور	۰/۰۴۲	۰/۴۰۰	۰/۴۴۶	۴	
گیلان غرب	۰/۰۴۲	۰/۴۹۱	۰/۵۷۱	۵	
جوانرود	۰/۰۴۷	۰/۳۶۴	۰/۵۹۸	۶	
صحنه	۰/۰۴۳	۰/۵۱۶	۰/۶۴۶	۷	
هرسین	۰/۰۴۸	۰/۴۶۴	۰/۷۵۳	۸	کمتر برخوردار

	اسلام‌آباد	۰/۰۴۷	۰/۵۱۲	۰/۷۷۰	۹
	سرپل	۰/۰۴۷	۰/۵۵۷	۰/۸۵۸	۱۰
	قصر شیرین	۰/۰۴۸	۰/۵۵۸	۰/۸۷۹	۱۱
محروم	سنقر	۰/۰۴۸	۰/۵۹۰	۰/۹۲۰	۱۲
	دالاهو	۰/۰۴۸	۰/۶۰۲	۰/۹۳۸	۱۳
	ثلاث باباجانی	۰/۰۴۸	۰/۶۴۷	۱	۱۴

منبع: محاسبات نگارندگان

رتبه‌بندی بر اساس ارزش Q صورت گرفته است. به گونه‌ای که کمترین ارزش بالاترین اولویت را به خود اختصاص داده است. همان‌گونه که جدول شماره (۵) نشان می‌دهد، بر اساس مقدار Q از نظر شاخص‌های کمی و کیفی مسکن، شهرستان کرمانشاه در بهترین وضعیت و شهرستان ثلاث باباجانی در وضعیت نامطلوبی قرار دارد.

حال با توجه به نتایج به دست آمده شروط به صورت ذیل آزمون می‌گردد:

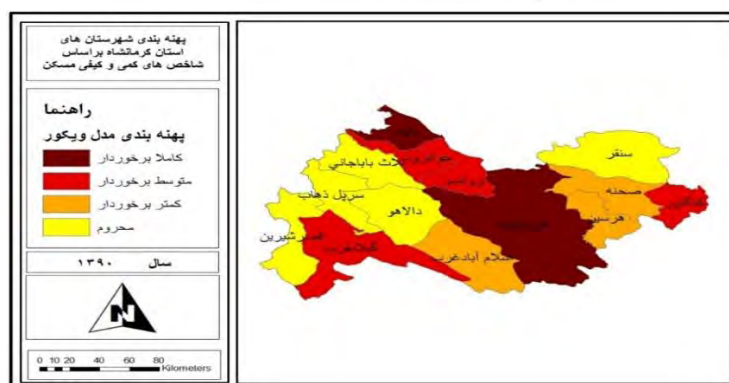
شرط اول

$$Q(A^{(2)}) - Q(A^{(1)}) \geq DQ \quad \text{رابطه (۱۲):}$$

که در آن $A(1)$ و $A(2)$ به ترتیب گزینه‌های اول و دوم هستند و $DQ=1/(i-1)$ و i تعداد آلترناتیوها است. $Q(A^{(2)}) - Q(A^{(1)}) \geq 0.095$ با توجه به اینکه مقدار Q برای آلترناتیو (گزینه) دوم برابر 0.174 و برای آلترناتیو اول برابر 0.079 می‌باشد. تفاضل این دو برابر با 0.095 بوده که از مقدار $DQ (0.076)$ بیشتر است؛ بنابراین شرط اول تأیید می‌گردد.

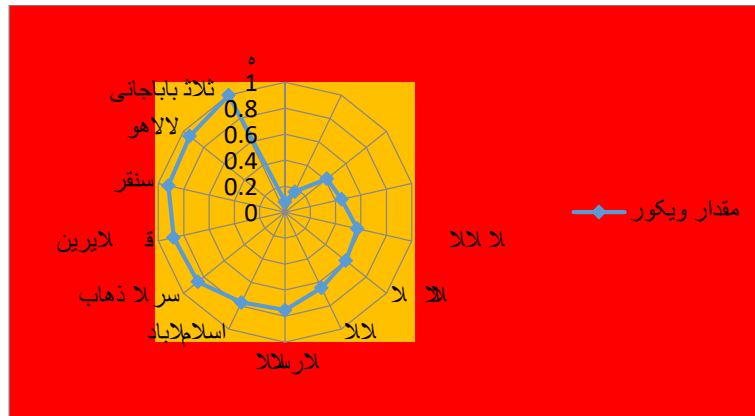
شرط دوم:

این است که گزینه اول باید همچنین از نظر S یا R نیز بهترین رتبه را داشته باشد. شهرستان کرمانشاه که بهترین رتبه را از نظر شاخص Q داشت از نظر شاخص R نیز بهترین رتبه را داراست؛ بنابراین شرط دوم نیز تأیید می‌شود و شهرستان کرمانشاه رتبه اول را به خود اختصاص می‌دهد.



شکل (۲): پهنه‌بندی شهرستان‌های استان کرمانشاه بر اساس شاخص‌های کمی و کیفی مسکن

مأخذ: یافته‌های نویسنده



شکل (۳): نمودار ضریب ویکور برای شهرستان‌های استان کرمانشاه

منبع: محاسبات نگارندگان

آزمون فرضیات تحقیق

فرضیه اول: به نظر می‌رسد وضعیت شهرستان‌های استان کرمانشاه در برخورداری از شاخص‌های مسکن نامتعادل است و اختلاف زیادی در این زمینه دیده می‌شود.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که میان شهرستان‌های ۱۴ گانه استان کرمانشاه به لحاظ برخورداری از شاخص‌های کمی و کیفی مسکن در سال ۱۳۹۰ اختلاف زیادی وجود دارد و شکاف زیادی در این زمینه دیده می‌شود. به طوری که دو شهرستان استان (کرمانشاه و پاوه) در سطح کاملاً برخوردار و پنج شهرستان استان (سرپل ذهاب، قصر شیرین، سنقر، دالاهو و ثلاث باباجانی) در سطح محروم قرار دارند؛ بنابراین این فرضیه تحقیق تأیید می‌شود.

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد بین سطح برخورداری شهرستان‌های استان کرمانشاه از شاخص‌های کمی و کیفی مسکن و جمعیت آن‌ها رابطه معناداری وجود دارد.

جدول (۶): محاسبه همبستگی پیرسون در بررسی رابطه بین میزان برخورداری و جمعیت

محاسبه همبستگی پیرسون				
حجم	سطح	میزان برخورداری	جمعیت	
۱۴	۰/۰۱۷	۰/۵۶۷	۱۴	جمعیت
۱۴	۰/۰۱۷	۱	۰/۵۶۷	میزان برخورداری

منبع: محاسبات نگارندگان

برای بررسی رابطه بین میزان برخورداری شهرستان‌های استان کرمانشاه و جمعیت آن‌ها از آزمون پیرسون استفاده شد که نتیجه آن در جدول شماره (۶) آورده شده است. نتیجه این آزمون نشان داد که به لحاظ آماری بین میزان برخورداری شهرستان‌ها و جمعیت آن‌ها همبستگی نسبتاً بالایی وجود دارد و عمدتاً شهرستان‌های برخوردار آن‌هایی هستند که جمعیت بیشتری نیز دارند و متعاقباً شهرستان‌های کم‌تر برخوردار نیز جمعیت کم‌تری دارند؛ بنابراین فرضیه دوم تحقیق نیز تأیید می‌شود.

فرضیه سوم: به نظر می‌رسد بین سطح برخورداری شهرستان‌های استان کرمانشاه از شاخص‌های مسکن و فاصله آن‌ها از مرکز استان (شهر کرمانشاه) رابطه معناداری وجود دارد.

جدول (۷): محاسبه همبستگی پیرسون در بررسی رابطه بین میزان برخورداری و فاصله از مرکز استان

محاسبه همبستگی پیرسون				
حجم	سطح	میزان برخورداری	فاصله از مرکز	
۱۴	۰/۰۴۹	۰/۴۶۰	۱	فاصله از مرکز
۱۴	۰/۰۴۹	۱	۰/۴۶۰	میزان برخورداری

منبع: محاسبات نگارندگان

برای بررسی رابطه بین میزان برخورداری شهرستان‌های استان کرمانشاه و فاصله آن‌ها از مرکز استان (شهر کرمانشاه) نیز، از آزمون پیرسون استفاده شد که نتیجه آن در جدول شماره (۷) آورده شده است. نتیجه این آزمون نشان داد که به لحاظ آماری بین میزان برخورداری شهرستان‌ها و فاصله آن‌ها از مرکز استان همبستگی نسبتاً ضعیفی وجود دارد و برخی از شهرستان‌های برخوردار، شهرستان‌هایی هستند که فاصله کم‌تری با مرکز استان دارند؛ بنابراین فرضیه سوم تحقیق نیز تأیید می‌شود.

نتیجه‌گیری

مسکن علاوه بر ساخت فیزیکی که یک خانواده به‌عنوان سرپناه مورداستفاده قرار می‌دهد، کل محیط مسکونی را نیز در برمی‌گیرد که شامل کلیه خدمات و تأسیسات اجتماعی و تسهیلات عمومی ضروری موردنیاز برای بهزیستی خانواده و طرح‌های اشتغال، آموزش و تندرستی افراد است. درک وجوه مسکن و جایگاه آن در نظام روابط اجتماعی مردم و جامعه نیز با در نظر گرفتن تمامی وجوه نمادین، نهادین، مادی و زیبا شناسانه فرهنگ مسکن امکان‌پذیر است؛ در این راستا شاخص‌های مسکن ابزار مناسبی جهت سنجش معیارها و ضوابط سیاست‌های مسکن است. به کمک این شاخص‌ها می‌توان تصویر درست و قابل‌فهمی را از شرایط مسکن به دست داد و پیشرفت‌ها و کم‌وکاستی‌ها را در تحقق اهداف بخش مسکن مشخص نمود. از این رو در تحقیق حاضر؛ برای بررسی وضعیت شهرستان‌های استان کرمانشاه در بخش مسکن از شاخص‌های کمی و کیفی این بخش استفاده شده است. بدین صورت که ابتدا با مطالعه کتب و مقالات مختلف در زمینه شاخص‌های مسکن، ۲۱ شاخص کمی و کیفی مؤثر در بخش مسکن شناسایی شدند، آنگاه از روش آنتروپی شانون برای وزن دهی به این شاخص‌ها استفاده شد. در میان شاخص‌ها، درصد خانوارهای دارای حداقل برق با وزن ۰/۰۴۸۴ با اهمیت‌ترین شاخص و حداقل حرارت و برودت مرکزی با وزن ۰/۰۴۲۵ کم‌اهمیت‌ترین شاخص می‌باشند. سپس به منظور تعیین میزان برخورداری و رتبه‌بندی ۱۴ شهرستان استان کرمانشاه بر اساس این شاخص‌ها از مدل‌های تصمیم‌گیری چند معیاره (ویکور) استفاده شد. نتایج حاصل از مدل ویکور نشان داد که در سال ۱۳۹۰ شهرستان کرمانشاه در رتبه نخست برخورداری و شهرستان ثلاث باباجانی در رتبه آخر برخورداری قرار دارند. همچنین در این سطح‌بندی مشخص گردید که شهرستان‌های کرمانشاه و پاره در سطح کاملاً برخوردار، شهرستان‌های روانسر، کنگاور، گیلان غرب و جوانرود در سطح متوسط برخوردار، شهرستان‌های صحنه، هرسین و اسلام‌آباد در سطح کمتر برخوردار و شهرستان‌های سرپل ذهاب، قصر شیرین، سنقر، دالاهو و ثلاث باباجانی در سطح محروم قرار دارند؛ اما نکته قابل‌توجه اینکه بیش از ۵۷ درصد شهرستان‌های استان کرمانشاه در سطح کم‌تر برخوردار و محروم قرار دارند که حاکی از وضعیت نامناسب این ۸ شهرستان استان در برخورداری از شاخص‌های مسکن می‌باشد و فقط ۲ شهرستان استان در سطح کاملاً

برخوردار قرار دارد که نشان می‌دهد اختلاف زیادی میان شهرستان‌های استان در برخورداری از شاخص‌های مسکن وجود دارد و شکاف زیادی در این زمینه دیده می‌شود؛ که رفع این مشکل مستلزم توجه مسوولان و برنامه‌ریزی دقیق و توسعه محور در این بخش می‌باشد تا با برنامه‌ریزی دقیق وضعیت شهرستان‌های محروم در برخورداری از شاخص‌های مسکن بهبود یابد و شکاف موجود میان شهرستان‌ها کم‌تر شود. نتیجه بررسی رابطه بین میزان برخورداری شهرستان‌های استان کرمانشاه از شاخص‌های کمی و کیفی مسکن و جمعیت آن‌ها نشان داد که بین این دو عامل همبستگی نسبتاً بالایی وجود دارد و عمدتاً شهرستان‌های برخوردار آن‌هایی هستند که جمعیت بیشتری نیز دارند.

نتیجه بررسی رابطه بین میزان برخورداری شهرستان‌های استان کرمانشاه از شاخص‌های کمی و کیفی مسکن و فاصله آن‌ها از مرکز استان (شهر کرمانشاه) نشان داد که بین این دو عامل همبستگی نسبتاً ضعیفی وجود دارد و برخی از شهرستان‌های برخوردار شهرستان‌هایی هستند که فاصله کم‌تری با مرکز استان دارند؛ بنابراین با توجه به وجود همبستگی نسبتاً بالا بین عامل جمعیت و سطح برخورداری شهرستان‌ها از شاخص‌های کمی و کیفی مسکن، به نظر می‌رسد سیاست‌های توسعه مسکن در این منطقه، بیشتر تحت تأثیر عامل جمعیت بوده که به‌عنوان مبنای سرمایه‌گذاری قرار گرفته است. از این‌رو؛ جهت تعادل منطقه‌ای و حرکت به سمت توسعه پایدار، لازم است که سیاست‌های توسعه مسکن و سایر سیاست‌ها، نگاه ویژه‌ای به شهرستان‌های محروم و کم‌جمعیت داشته باشند، در غیر این صورت شاهد افزایش نابرابری منطقه‌ای خواهیم بود. در پایان با توجه به وضعیت موجود شهرستان‌ها، تدوین یک برنامه جامع هماهنگ برای کاهش شکاف موجود میان شهرستان‌ها و بهبود وضعیت شهرستان‌های محروم در زمینه مسکن، الزامی می‌باشد.

منابع

- ابراهیم‌زاده، عیسی و قاسمی، عزت‌اله (۱۳۹۴)، «ارزیابی شاخص‌های کالبدی مسکن شهری با رویکرد توسعه پایدار مطالعه موردی: شهر سامان»، *مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، سال هفتم، شماره بیست و ششم، صص ۱۰۴-۸۳.
- امان‌پور، سعید و مودت، الیاس (۱۳۹۲)، «سنجش و رتبه‌بندی میزان توسعه و فقر در استان خوزستان»، *فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی شهری*، سال اول، شماره اول، صفحات ۱۳۲-۱۱۳.
- بهرامی، رحمت‌الله، (۱۳۹۰)، «تحلیلی بر وضعیت مسکن روستایی در استان کرمانشاه»، *فصلنامه مسکن و محیط روستایی*، شماره ۱۳۴، صص ۱۰۴-۹۵.
- پشاه‌آبادی، شهرام. زیاری، کرامت‌الله. حاجی، مهسا و مرادی، اسعد (۱۳۹۴)، «ارزیابی تطبیقی سیر تحول شاخص‌های مسکن شهر میوان با نقاط شهری استان کردستان و کشور ایران»، *فصلنامه مطالعات شهری*، دوره چهارم، شماره پانزدهم، صص ۳۷-۵۲.
- پوراحمد، احمد و خلیجی، محمدعلی (۱۳۹۳)، «قابلیت سنجی تحلیل خدمات شهری با استفاده از تکنیک VIKOR (مطالعه موردی شهر بناب)»، *مجله برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)*، سال چهارم، شماره دوم، صص ۱۶-۱.
- پورطاهری، مهدی (۱۳۹۳)، «کاربرد روش‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه در جغرافیا»، تهران: انتشارات سمت، چاپ چهارم.
- پورمحمدی، محمدرضا (۱۳۸۵)، «برنامه‌ریزی مسکن»، تهران: انتشارات سمت، چاپ سوم.
- پویا، علیرضا و علیزاده زوارم، علی، (۱۳۹۳)، «حل مسئله انتخاب تأمین‌کننده با استفاده از مدل ترکیبی تحلیل سلسله‌مراتبی دلفی فازی-ویکور (FD AHP ° VIKOR)»، *پژوهش‌های مدیریت منابع سازمانی*، دوره چهارم، شماره چهارم، صص ۴۸-۲۳.
- توکلی‌نیا، جمیله؛ کانونی، رضا؛ خاوریان گرمسیر، امیررضا و پاسبان عیسی لو، وحید (۱۳۹۴)، «تحلیل نابرابری‌های توسعه منطقه‌ای در بخش بهداشت و درمان استان اردبیل»، *فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، سال پنجم، شماره ۱۸، صص ۱۴-۱.
- جمشیدی، علیرضا؛ جمینی، داود؛ صیدایی، اسکندر و نجفی، مریم (۱۳۹۲)، «تحلیل شاخص‌های مسکن روستایی استان ایلام و سطح‌بندی آن‌ها با استفاده از تحلیل عاملی و خوشه‌ای»، *فصلنامه مسکن و محیط روستایی*، شماره ۱۴۳، صص ۸۸-۶۹.
- حکمت‌نیا، حسن و موسوی، میر نجف (۱۳۹۲)، «کاربرد مدل در جغرافیا با تأکید بر برنامه‌ریزی شهری و ناحیه‌ای»، تهران: انتشارات آزادپیما.
- زنگی‌آبادی، علی و علیزاده، جابر (۱۳۹۲)، «تحلیل شاخص‌های سکونتی در شهرستان‌های استان اردبیل با استفاده از روش شباهت به گزینه ایده آل فازی (نمونه موردی: نقاط شهری)»، *فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی*، سال بیست و چهارم، شماره دوم، صص ۱۱۰-۸۹.
- زیاری، کرامت‌اله و زرافشان، عطالله (۱۳۸۵) «بررسی تغییرات کمی و کیفی مسکن در شهر مراغه و پیش‌بینی مسکن موردنیاز تا سال ۱۴۰۲»، *مجله جغرافیا و توسعه*، صص ۸۵-۱۰۵.
- زیاری، کرامت‌اله؛ مهد نژاد، حافظ؛ پرهیز، فریاد و آقاجانی، محمد (۱۳۸۹)، «بررسی وضعیت مسکن گروه‌های درآمدی و برآورد مسکن گروه‌های کم‌درآمد (نمونه موردی استان هرمزگان)»، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، شماره نود و هشتم، صص ۵۵-۲۹.
- سالنامه آماری استان کرمانشاه، ۱۳۹۰.
- سرور، رحیم و خلیجی، محمد (۱۳۹۴)، «سنجش درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان کهگیلویه و بویراحمد»، *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، سال ششم، شماره بیست و یکم، صص ۱۰۲-۸۹.
- شاهرخی‌فر، زینب، (۱۳۹۵)، «تحلیلی تطبیقی از سیاست‌های اجرایی بخش مسکن در برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب اسلامی (کرمانشاه)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس، استاد راهنما: ابوالفضل مشکینی.
- صارمی، حمیدرضا و ابراهیم پور، مریم (۱۳۹۱)، «بررسی شاخص‌های مسکن ایران و جهان (مطالعه موردی: ایران، انگلیس و فرانسه)»، *فصلنامه هویت شهر*، شماره دهم، سال ششم، صص ۱۰۲-۹۱.

- عابدینی، اصغر و کریمی، رضا (۱۳۹۴)، «بررسی و رتبه‌بندی مناطق چهارگانه شهر ارومیه بر اساس شاخص‌های کمی و کیفی مسکن»، *مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، سال ششم، شماره بیست و چهارم، صص ۶۴-۴۹.
- کشوردوست، علیرضا؛ حسن‌پور، رضا؛ غمخوار، ایرج و موسی پور میان‌دهی، پری (۱۳۹۲)، «بررسی شاخص‌های کمی، کیفی و برآورد مسکن موردنیاز شهر رشت در افق ۱۴۰۰»، *مجله مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، سال ۸، شماره ۲۵، صص ۹۵-۱۱۲.
- گروسی، علی‌رضا (۱۳۹۵): «تحلیل شاخص‌های کیفی مسکن در نواحی شهری نظرآباد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس.
- محمدی، کاوه و رضویان، محمدتقی (۱۳۹۰)، «بررسی وضعیت شاخص‌های مسکن در شهر سردشت استان آذربایجان غربی (مطالعه موردی شهر سردشت استان آذربایجان غربی)»، *فصلنامه آمایش محیط*، شماره هفدهم، ۸۷-۱۱۰.
- مرصوصی، نفیسه؛ حاتمی نژاد، حسین؛ طالشی، مصطفی و عباسی، حامد (۱۳۹۱)، «بررسی وضعیت مسکن غیررسمی در شهرهای استان تهران با استفاده از تحلیل خوشه‌ای»، *نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، سال ۱۲، شماره ۲۶، صص ۸۵-۱۰۵.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰)، «سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان کرمانشاه».
- ملکی، سعید و شیخی، حجت، (۱۳۸۸)، «بررسی نقش شاخص‌های اجتماعی مسکن در سطح استان‌های کشور با استفاده از روش شاخص ترکیبی توسعه انسانی»، *فصلنامه مسکن و محیط روستا*، شماره ۱۲۷، صص ۱۰۷-۹۴.
- موسوی، میر نجف؛ ویسیان، محمد؛ محمدی حمیدی، سمیه و اکبری، مهناز (۱۳۹۴)، «بررسی و اولویت‌بندی توان‌ها و زیرساخت‌های توسعه گردشگری با روش‌های تصمیم‌گیری چند معیاره (مورد مطالعه: شهرستان‌های استان کردستان)»، *فصلنامه گردشگری شهری*، دوره دوم، شماره اول، صص ۳۱-۱۷.
- Aluko, O. (2011). The Effects of Location and Neighbourhood Attributes on Housing Values in Metropolitan Lagos . *Ethiopian Journal of Environmental Studies and Management*, Vol 4No2, pp69-82.
- Arnott, R. (2008), *Housing Policy in Developing Countries: The Importance of the Informal Economy* , World Bank, Commission on Growth and Development, Pp.11-20
- Buckley, R. & Jerry, Kalarickal. (2005), *Housing Policy in developing Countries: Conjectures and Refutations* , *World Bank Res Obs* (Fall 2005), 233- 257.
- Choguill, Charles. L. (2007), *The search for policies to support sustainable housing* . *Habitat International*,31 (1), 143-149.
- Domanshi, H. (2008). "Housing Conditions; in handbook of quality of life in the enlarged European Union". Edited by: Jens Alber, Tony Fahey and Chiara Saraceno.
- Flood,j(2012), *Housing Indicators, AHURI-RMIT, Melbourne, VIC, Australia* , Downloaded from <http://www.elearnica.ir>
- Hafazah, A.K. (2012). Low Cost Housing Environment: Compromising Quality of Life? , *Procedia-Social and Behavioral Science*, Vol 35: pp44-53.
- Huang, J, J. Tzeng, G, H & His Liu, Hsiang, (2009) A Revised VIKOR Model for Multiple Criteria Decision Making - The Perspective of Regret Theory *Graduate Institute of international Business, National Taipei University, Sansia, Taiwan*
- Knapp, E. (1982). *Housing Problems in Third World* University of Stuttgart, 35.
- Opricovic, S and Tzeng, G-H (2004) Compromise Solution by MCDM Methods: A Comparative Analysis of VIKOR and TOPSIS , *European Journal of Operational Research*, 445.
- Reckford,j(2005), *Global Housing Indicators: Evidence for action* , Habitat for Humanity International, Washington, Americus
- Ruonavaara, Hannu, (2018), *Theory of Housing, From Housing, About Housing* , *Housing, Theory and Society, Routledge Taylor & Francis Group*, Vol 35, No 2, 178-192.
- Short, J.R and Kim, Yeong-HYUM, (2008), *Cities and Economics, Newyork: Routledge WECD, out common future* , oxford university press, 1987.
- UN habitat(2002), *The Right to Adequate Housing* , *Fact Sheet*, No. 21/Rev.1
- UN HABITAT, (2009), *Urbanization and development emerging futures, world Cities report* , <http://www.unhabitat.org>.
- UN habitat, (2011), *A Practical Guide for Conducting: Housing Profiles* , Copyrightص United Nations Human Settlements Programme (UN-HABITAT), 2010. HS Number: HS/034/11 ISBN Number: 978-92-1-132028-2
- UN-Habitat (2015), *Gender Issue Guide: Housing and Slum Upgrading* , <http://www.http://unhabitat.org/urban-themes/housing-slum-upgrading/>
- Warnock VC, Warnock FE (2008), *Markets and housing finance* , *Journal of Housing Economics* xxx (2008)
- Westaway, Margaret S. (2006). A Longitudinal Investigation of Satisfaction with Personal and Environmental Quality of Llife in an Informal South African Housing Settlement, Doornkop, Soweto . *Habitat International*, Vol. 30



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

